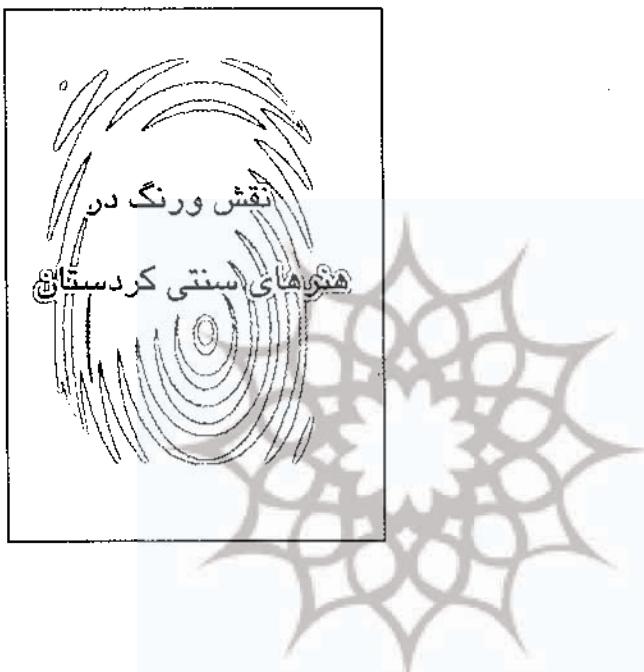


نقش و رنگ در هنرهاي سنتي کردستان

■ نقش و رنگ در هنرهاي سنتي کردستان

■ لاله یزدانجو



پژوهش حاضر مجموعه‌ای است از نقوش اصیل منطقه کردستان که در دو قصل اول به تاریخ و جغرافیای گوناگونی ایجاد می‌کند و ارتباط مستقیم آن با شخص متوفی و اینکه این نقوش نمادی از اعتقادات دینی و مذهبی است، موضوعی است که در ادامه مورد توجه قرار گرفته است.

نگارنده در مقدمه خاطرنشان می‌سازد که با توجه به عدم دسترسی به منابع اصیل، و استفاده از آثار موزه‌ای و منابع کتابخانه‌ای از جمله «مقدمه‌ای بر قالیچه‌های کرد و سایر یافته‌ها» نوشته ویلیام اگلتون و همچنین «دستبافته‌های عشاپیری و روستایی ایران» نوشته سیروس پرهام تا حدودی موفق به شناسایی و بررسی نقوش اصیل منطقه موردنظر شده است. و مطالعه این آثار حاکی از تنوع نقوش سنتی و اصیلی است که به علت نزدیکی و رابطه پیوسته با کار و زندگی و محیط زیست مردم و باورها و اعتقادات به تناسب کاربرد آنها به گروههای مختلفی تقسیم شده است و سطح وسیعی از آثار هنری سنتی و بومی مردم را دربر گرفته است.

داشت و ثابت نیز بود، به یکباره دارای راست رو نگردیدند. آنها که همه شرایط را برای ورود به مرحله بعد و استقرار راست روها دارا بودند و در همان مرحله می‌توانستند دارای چله کشی فارسی به همین شیوه امروزی گردند؟ چرا چنین ادعایی منطقی نیست؟

منطقی نیست زیرا باید بیذیریم که حرکت تاریخ (حدائق در ساخت و ساز و سایل و مایحتاج بشر) رو به جلو و پیشرفت است نه به سوی پس رفت. چگونه ممکن است یافتدگان پذیرفته باشند که دارهای قالی باید به جای دیواره، دارای راست رو باشند و این رابه اجرا هم در آورده باشند، و چله کشی پیشرفت معرفه به فارسی را نیز در آن انجام داده باشند، اما در مرحله بعد دیواره به عقب بازگشته و با یک پس رفت دیواره راست روها را برچیده و سردار و زیردار را علاوه بر آنکه ثابت نمودند مجبور گردند باز هم دیوارها را سوراخ نمایند تا دارها بایستند؟

از طرف دیگر همین عدم وجود فراگیر دارهای ثابت بدون راست از یک سو و فراوانی دارهای متحرک بدون راست رو در جنوب و جنوب شرقی کشور بیانگر تقدم و تأخیر زمانی در وقوع و فراموشی تدریجی و کامل نوع اول است. در کنار این عوامل گفتیم که چله کشی نیز خود دارای مراحل تحول و پیشرفت بوده است. به عبارتی گره زدن اضافی چله‌ها بر روی دارهای ثابت، به دلایلی که بر شمردیم پیشرفت تراز پیچیدن همه چله‌ها به دور سردار است، همین پیشرفت در گرو تحوّلاتی بوده است که در ساخت دارها نیز تأثیر داشته است.

در اینجا می‌توان تمامی دارهای قالی و نامگذاری آنها را از ابتدا تا انتهایا با توجه به مراحل ساخت و پیشرفت آنها به این ترتیب طبقه‌بندی نمود:

۱- دارهای زمینی (اعم از کمان دار یا بدون کمان) که به طور کامل فاقد راست رو هستند و چله کشی بر روی دار انجام می‌پذیرد.

۲- دارهای عمودی ثابت (فاقد راست رو و چله کشی بر روی دار انجام می‌پذیرد) که البته می‌توانستند کمان دار هم باشند.

۳- دارهای عمودی متحرک فاقد راست رو (که چله کشی به شیوه معرفه به فارسی برای آن انجام می‌گردد) که البته کمان دار بوده و هستند.

۴- دارهای عمودی متحرک دارای راست رو (که چله کشی به شیوه معرفه به فارسی برای آن انجام می‌گردد) که البته کمان دار بوده و هستند.

۵- دارهای عمودی ثابت با راست رو (با چله کشی فارسی که می‌توانستند کمان دار باشند که البته امروز دیگر نیستند). سایر دارهای قالی به هر نوع که مشاهده شوند در ذیل هر یک از انواع مذکور قرار می‌گیرند. حتی دارهایی که برای یافته‌های حجمی از آنها استفاده می‌شود خارج از این طبقه‌بندی‌ها قرار نداشته و فقط ظاهر دار تغییر یافته است. به عنوان مثال سردار و زیردار به شکل دایره و یا اشکال دیگر دیده می‌شود که متناسب با حجم موردنظر است. این قبیل دارها را می‌توان دارهای مرکب نام نهاد.